

مسيرة الإنسانية على هذه الأرض بين الشرك والكفر والتوحيد مسير بشرية بر اين زمين بين شرك، كفر و توحيد

لابد- في- التوحيد من- العدل أي وضع- الشيء في- موضعه فلا
إفراط ولا تفريط، وكلا الحالين (الإفراط والتفريط) باطل.
در توحيد گریزی از عدل نیست، و عدل یعنی قرار دادن هر چیزی در جای
خودش بدون افراط و تفريط؛ هر دوی این حالات (یعنی هم افراط و هم تفريط)
باطل است.

لأن الإفراط: في حدود التوحيد يؤدي بالإنسان إلى التعطيل
والخروج عن التوحيد؛ لأن نكران معرفته سبحانه هو بعينه
نكرانه سبحانه، ولا يعرف سبحانه وتعالى إلا بوجهه الذي واجه
به خلقه وهم حججه الأنبياء والأوصياء، وهذا (الإفراط) في
الواقع كفر وشرك وإن لم يصرح به من يعتقده فهو كفر؛ لأن
الكفر هو الستر وتغطية الحقيقة وحجبها، وهؤلاء المفرطون
يغطون حقيقة الأنبياء والأوصياء ويحجبونها وينكرونها فهم
كافرون بها، ولما كانت هذه الحقيقة هي وجه الله الذي به يعرف

[298] كان هؤلاء كافرين بالله في حقيقتهم وواقعهم وكل بحسبه يتدرجون في مراتب الكفر.

زیرا افراط: در مسایل توحیدی انسان را به تعطیلی و خروج از توحید می‌کشاند، چرا که انکار معرفت خدای سبحان، عین انکار خدای سبحان است. خداوند سبحان و متعال شناخته نمی‌شود مگر به وسیله‌ی صورتی که با آن با خلق رویارو شده است و این صورت، حجت‌های الهی یعنی پیامبران و اوصیا می‌باشند. این «افراط» در واقع به منزله‌ی کفر و شرک است، اگر چه کسی که به آن معتقد باشد تصریح نکند، (باز هم) کفر است، زیرا کفر به معنای پوشاندن حقیقت و مستور و مخفی کردن آن می‌باشد، و این افراد افراط کار که حقیقت انبیا و اوصیا را می‌پوشانند و آن را در پس پرده می‌کنند و انکار می‌نمایند، به آن کافرند. از آنجا که این حقیقت همان صورت خداوند است که با آن شناخته می‌شود [299]، این عده در حقیقت و واقع امر، نسبت به خداوند کافرند و هر کدام بر حسب حال خودش در مراتب کفر سیر می‌کند.

وفي أدنى مراتب هذا الإنكار لحقيقة الأنبياء والأوصياء يفقد الإنسان مراتب معرفة بالله و مراتب كمال، وأعظم مراتب إنكار حقيقتهم يؤدي بالإنسان إلى الجهل بالله سبحانه وتعالى؛ لأنه سبحانه بهم يعرف.

انسان در پایین‌ترین مراتب این انکار حقیقت انبیا و اوصیا (ع)، مراتب شناخت خدا و مراتب کمال را از دست می‌دهد؛ و بالاترین مراتب انکار حقیقت انبیا و اوصیا (ع) نیز آدمی را به جهل و بی‌اطلاعی نسبت به خدای سبحان می‌کشاند؛ زیرا خداوند به وسیله‌ی ایشان (ع) شناخته می‌گردد.

ويخرج الإنسان عن ولايتهم ، فيخرج بذلك عن ولاية الله سبحانه وتعالى، فيكون كافراً بالله سبحانه؛ لأنه كفر بالطريق الموصل إليه وإلى معرفته سبحانه، فلا ينفعه ادعاء الإيمان بالله وهو قد أعرض عن الطريق الموصل إلى الله وتنكب السبل المؤدية إلى الشيطان، وكمثال على هذا الأمر: لو كان هناك مزرعة ومزبلة وطريق رقم واحد يؤدي إلى المزرعة ورقم اثنين يؤدي إلى المزبلة، فوجدت شخصاً يسير على طريق رقم اثنين ومع هذا يدعي أنه ذاهب إلى المزرعة فيماذا تصفه؟ أظن أقل ما يمكن أن تصفه به أنه كذاب ويخفي ويستتر الحقيقة، أي يكفرها بل ويحاول خداع غيره.

اگر انسان از ولایت ایشان (ع) خارج شود، از ولایت خدای سبحان خارج می‌گردد لذا به خداوند کافر می‌شود زیرا او به راهی که رساننده‌ی به خدای سبحان و معرفت او می‌باشد، کفر ورزیده است. (در این حالت) ادعای ایمان داشتن به خدا سودی به حال فرد ندارد چرا که او از راه متصل کننده به خداوند روی گردانیده و راه‌های منتهی به شیطان را در پیش گرفته است. مثالی در این خصوص: یک مزرعه و یک زباله‌دان و دو مسیر را در نظر بگیرید که راه شماره‌ی یک به مزرعه منتهی و راه شماره‌ی دو به زباله‌دان می‌رسد. اگر فردی را ببینی که در مسیر شماره‌ی دو گام برمی‌دارد ولی با این حال ادعا می‌کند که در حال رفتن به سمت مزرعه است، درباره‌ی او چه می‌گویی؟ به گمانم حداقل چیزی که درباره‌ی او می‌گویی این است که وی دروغ‌گو است و حقیقت را مخفی می‌کند، یعنی آن را پوشیده می‌دارد و می‌خواهد دیگران را فریب دهد.

وهو أيضاً (أي الإفراط) شرك؛ لأن من يساوي حجج الله وهم الأنبياء والأوصياء بمن سواهم يكون قد ساوى وجه الله وأسماءه

الحسنی بعامۃ خلقه ، حیث إنهم وجه الله الذی واجه به خلقه
وأسماؤه الحسنی فی الخلق، فتسویتهم بمن سواهم فی أدنی
مراتبها یؤدي بالإنسان إلى فقدان مرتبة کمال و معرفة بالله
سبحانه.

همچنین، افراط، شرک است زیرا کسی که حجت‌های الهی و انبیا و اوصیا(ع)
را با دیگران برابر بداند، صورت خدا و نام‌های نیکوی او را با سایر خلائق برابر
دانسته است؛ زیرا ایشان(ع) صورت خدایند که با آن رو به خلق کرده است و
نام‌های نیکوی او در خلق می‌باشند. فرجام برابر دانستن اینها با دیگران، در
پایین‌ترین مراتبش، از دست رفتن مرتبه‌ی کمال و معرفت نسبت به خدای
سبحان می‌باشد.

أما فی أعظم مراتب تسویتهم بمن سواهم، فإنه یؤدي بالإنسان
إلى الجهل بالله سبحانه و تعالی؛ لأن هذا الإنسان جهلهم و من
جهلهم جهل الله، فتسویتهم بمن سواهم شرک بكل مراتبها، كما أن
إنکارهم کفر بكل مراتبها (300).

اما فرجام برابر دانستن اینها با دیگران، در بالاترین مراتبش، انسان را به جهل
و بی‌اطلاعی نسبت به خداوند سبحان سوق می‌دهد؛ زیرا چنین کسی به آنها
جاهل است و کسی که آنها را نشناسد خدا را نشناخته است، و لذا برابر دانستن
آنها با دیگران شرک در تمام مراتب و درجات آن است همان‌طور که انکار آنها نیز
کفر در تمام مراتب و درجات آن به شمار می‌رود [301].

أما التفريط: فيؤدي بالإنسان إلى الشرك؛ لأنه يعطي للأنبياء والأوصياء - وهم وجه الله - مرتبة الألوهية المطلقة والاستقلال عن الله سبحانه وتعالى والغنى عنه سبحانه.

تفريط: تفريط نیز انسان را به وادی شرک می کشاند؛ زیرا تفريط و کوتاهی باعث می شود فرد به انبیا و اوصیا(ع) که وجه الله هستند، مرتبه ی الوهیت مطلق و استقلال از خدا و بی نیازی از خدای سبحان و متعال را بدهد.

وهو أيضاً كفر؛ لأنه يؤدي بالإنسان إلى ستر وتغطية حقيقة الله سبحانه وتعالى وحجبها؛ لأنه ساواه بمن سواه من خلقه والله سبحانه وتعالى ليس كمثله شيء، وكل من سواه خلقه سبحانه وتعالى (فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرْكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ) [302].

به علاوه، کفر نیز محسوب می شود زیرا انسان را به پوشیده ساختن حقیقت خداوند سبحان و متعال می کشاند، زیرا او را برابر با سایر مخلوقاتش دانسته است در حالی که خداوند سبحان و متعال مانند هیچ چیزی نیست و هر چیزی غیر از او، مخلوق او سبحان و تعالی می باشد: «آفریدگار آسمان ها و زمین. برای شما، از شما همسرانی بیافرید، و نیز برای چهارپایان جفت های پدید آورد، با آن بر شمارتان می افزاید، هیچ چیز همانند او نیست و او شنوا و بینا است» [303].

فالإنسانية على هذه الأرض ترددت في هذه المراتب الأربعة من الشرك والكفر، فكل بني آدم مشمولون بهذه المراتب الأربعة من الشرك والكفر إلا عباد الله المخلصين، وهم الأنبياء والأوصياء ومن تابعهم وتغذى بعلمهم الإلهية التامة، حتى

وصل إلى مراتب الإيمان العشرة، ومراتب المعرفة العشرة، وهم قلة لا تكاد تذكر على مدى مسيرة الإنسانية، ولم ينقل هؤلاء الأولياء هذه المعرفة الإلهية ولم يرووها عن الأنبياء والأوصياء لأنهم منعوهم من ذلك ([304])، حيث إن الناس (وحتى من يؤمن بهم) لا طاقة لهم على حملها، فلم يُبث بين الناس إلا حرفان.

انسانیت بر روی این زمین، بین این چهار مرتبه‌ی شرک و کفر در نوسان است. تمام بنی آدم مشمول این چهار درجه‌ی شرک و کفر هستند مگر بندگان مخلص خدا که عبارتند از انبیا، اوصیا و کسانی که پیرو آنها‌اند و با علوم الهی تام آنها پرورش یافته‌اند تا آنجا که به درجات دهگانه‌ی ایمان و درجات دهگانه‌ی معرفت دست یافته‌اند. این عده نیز بسیار اندک شمارند، به طوری که در مسیر حرکت بشریت تقریباً گم و ناپیدا هستند. این اولیا، این معرفت الهی را منتقل نکرده‌اند و از انبیا و اوصیا روایت ننموده‌اند زیرا ایشان را از انجام چنین کاری منع کرده بودند [305] زیرا مردم (حتی کسانی که به انبیا و اوصیا (ع) ایمان آورده‌اند) طاقت حمل آن را ندارند و لذا بین مردم فقط دو حرف منتشر شده است نه بیشتر.

والیوم بدأت هذه السبعة والعشرون حرفاً من العلم تبث بين الناس - لیؤمن بها من یؤمن بالقائم، ویکفر بها من یکفر بالقائم - لحضور أهلها وحملتها في هذا الزمان المبارك وهم أصحاب القائم، والحمد لله وحده.

امروزه این بیست و هفت حرف در حال انتشار بین مردم است تا هر کس که به قائم ایمان دارد، به آن ایمان بیاورد و هر کس که به قائم کافر است، نسبت به آن کفر ورزد. و این به دلیل آن است که در این زمان مبارک، اهل و حاملان این معارف موجودند و حضور دارند؛ و ایشان اصحاب قائم‌اند، و الحمد لله وحده.

ومن المناسب أن نعرض إلى الانحراف الذي أدى بأناس إلى الشرك التام أو الكفر التام في كلا حالتَي الإفراط والتفريط في حدود التوحيد من خلال أمثلة من الأديان والمذاهب.

مناسب است اشاره‌ای کنیم به انحرافاتى که باعث شده است برخی مردم بر اثر افراط و تفريط در حدود توحید، به شرک تام یا کفر کامل کشانیده شوند. این موضوع را از طریق بیان مثال‌هایی از ادیان و مذاهب بررسی می‌نماییم.

* * *

[299] - «(هر چه بر روی زمین است دستخوش فنا است، * ذات پروردگار صاحب جلال و اکرام تو باقی می‌ماند)» (الرحمن: 26 و 27).

[300] - مع أن الكلام واضح، ولكن للبيان أكثر أقول: ليس كل مراتب الكفر والشرك تُخرج الانسان من ربة الايمان.

[301] - با این که کلام، واضح است ولی برای توضیح بیشتر می‌گوییم: تمام مراتب کفر و شرک انسان را از حیطة‌ی ایمان خارج نمی‌کند.

[302] - الشورى : 11.

[303] - شورى: 11.

[304] - راجع الملحق رقم (1).

[305] - به پیوست 1 مراجعه نمایید.